



**
حسن انصاری قمی



نقد و معرفی کتاب

کتابهای

صوفیانه زیدیان ایرانی و یمنی



زیدیان با توجه به گرایشات انقلابی از یک سو و تمایلات معتزلی و افکار خردگرایانه از دیگر سو، کمتر به تصوف اقبال نشان داده‌اند؛ اما با این وصف در میان امامان و دانشمندان زیدی ایرانی و یمنی گاه و بیگاه به تألیفاتی برمی‌خوریم که درباره علوم باطن و تصوف نوشته شده است. و این هم از لحاظ تاریخ مذهب زیدی و هم تاریخ تصوف اهمیت دارد. در این یادداشت می‌کوشیم تا بعضی از این آثار را اجمالاً معرفی کنیم.

پیش از آن لازم است بگوئیم که امامان زیدی بنابر گزارش «سیره» نویسان، همواره در کنار علم و دانش و اهتمام به جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، به زهد و گرایش زاهدانه شناخته می‌شدند و گویا اساساً زهد آنان یکی از اوصاف و شرایط امامت ایشان قلمداد می‌شده است. به طور مثال، ابوطالب هارونی (د ۴۲۴ ق) در کتاب الافادة فی تاریخ ائمه الزیدیة^۱، در شرح احوال امام قاسم بن ابراهیم رسی (د ۲۴۶ ق)، اندیشمند بزرگ زیدی و بنیانگذار مکتب فقهی قاسمیّه، از زهد او سخن به میان آورده است و گفته که ناصر اطروش (د ۳۰۴ ق) درباره او می‌گفته است: «زاهد خشین». وی در شرح احوال امام الهادی الی الحق یحیی بن الحسین (د ۲۹۸ ق)، بنیانگذار دولت زیدی یمن می‌نویسد که زهد او مورد اجماع مخالف و موافق بود و اساساً زهد در خاندان قاسم رسی تا روزگار ما (یعنی روزگار ابوطالب) همواره ظهور و حضور داشته، به ویژه قاسمیانی که از یمن خارج نشده و با امیران

* این مقاله به بانه چاپ کتاب ارزشمند موفق بالله حسین بن اسماعیل جرجانی (د حدود ۲۲۰ ق) با عنوان الاعتبار و سلوة العارفين، قلمی شد، نک: پس از این.

* از محققین مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

شهرهای ما (یعنی بلاد جنوب خزر) آمیخته نشده‌اند.^۲ برای زیدیّه، در کنار جهاد با کفار و مهمتر از آن ظلم حکومت‌های غیر مشروع و ظالم پیشه، جهاد با نفس نیز مطرح بوده است. حاکم جشمی (د ۴۹۴ ق)، دانشمند زیدی مذهب، در بحث از انواع جهاد، در رأس همه، از جهاد با نفس سخن گفته و آنرا «حبس نفس از معاصی» دانسته است.^۳ ابوطالب هارونی در شرح حال قاسم رسی و در مقام احتجاج بر مقام زهد وی می‌گوید که شاهد زهد وی همانا کتاب سیاست النفس قاسم رسی است.^۴ این رساله متأسفانه تاکنون به چاپ نرسیده ولی من در اینجا از نسخه خطی آن که در ضمن رسایل قاسم رسی موجود است، بهره می‌برم. این رساله در باب تهذیب نفس است. وی در این رساله از نفس اماره و درک حقایق علمی از طریق «قلب» و اخلاص و توکل بحث کرده است.^۵

عالم برجسته زیدی، محمد بن منصور مرادی (در گذشته حوالی ۲۹۰ ق) که میراث زیدیّه عراق بیشتر به روایت او هم اکنون در اختیار است و شاگرد برجسته عالم و امام زیدی احمد بن عیسی بن زید (د ۲۴۷ ق) است، کتابی دارد تحت عنوان الذکر که به چاپ هم رسیده است. در این کتاب در باب فضل «ذکر» و اخلاص و پرهیز از ریاء احادیثی گردآوری شده است.^۶

امام الهادی الی الحق یحیی بن الحسین که پیشتر نامش رفت، نیز دو رساله دارد با عنوانهای کتاب الخشیه و سیاست النفس. الهادی در کتاب الخشیه که متنی کوتاه است، می‌نویسد: اصل و ریشه خشیت از خداوند، علم است و فرع آن ورع، فرع ورع دین است و نظام دین محاسبه نفس است و آفت ورع جایز شمردن معصیت صغیره است. وی در این

متن کوتاه از بیشتر مفاهیم اخلاقی و صوفیانه سخن به میان آورده است.^۷ وی در سیاست النفس نیز از خودشناسی و محاسبه نفس و نفس آماره سخن گفته است.^۸

الهادی در کتاب جواب مسائل ابی القاسم الرازی، نیز در باب «ریاضت نفس» بحث کرده است.^۹

پس از قاسم رسی، محمد بن منصور مرادی و الهادی الی الحق، باید به کتاب سیاست المریدین ابوالحسنین هارونی (د ۴۱۱ ق)، امام زیدی شمال ایران اشاره کنم که کتابی است که دقیقاً در سنت صوفیانه نوشته شده است. پیشتر از این در مجله معارف^{۱۰}، نویسنده این سطور، یادداشتی کوتاه پیرامون این کتاب نوشته است و فقط در اینجا به این نکته اشاره می‌کنم که ضیاء الدین یوسف بن یحیی حسنی صنعانی مؤلف کتاب *نسمة السحر بذكر من تشیع و شعر* نیز در شرح احوال المؤید بالله ابوالحسنین هارونی از لباس «صوف» ابوالحسنین یاد کرده و زهد او را ستوده است.^{۱۱}

پس از ابوالحسنین هارونی، از عالمان زیدیة ایران باید به الموفق بالله ابوعبدالله حسین بن اسماعیل بن زید شجری جرجانی (د پس از ۴۲۰ ق) اشاره کرد که دانشمندی است برجسته و ساکن ری و کتاب کلامی او با عنوان الاحاطه (در ۲ جلد) اهمیت بسیاری دارد.^{۱۲} وی در اخلاق و تصوف کتابی دارد با عنوان الاعتبار و سلوة العارفين که اخیراً به چاپ رسیده است.^{۱۳}

این کتاب به روایت قاضی جعفر بن احمد بن عبدالسلام از شیخ ادیب محمد بن الحسنین (در نسخه چاپی: حسن و در نسخه خطی متعلق به حضرت آیه الله علامه حاج سید محمد علی روضاتی که در ضمن یک مجموعه نزد ایشان موجود است: حسین) *ذَنک* (و شاید *دنک*؟) *الاذونى* و او از حسن بن علی بن اسحاق فرزادی و وی از مؤلف به دست ما رسیده است.^{۱۴} می‌دانیم که کتابهای زیدیة ایران و عراق عموماً به روایت قاضی جعفر به دست یمنی‌ها رسید و هم‌اکنون نیز کتاب سلوة از متون مورد توجه زیدیة یمن است.^{۱۵} این توضیح در باب مشایخ موفق بالله لازم است: موفق بالله همواره از طریق ابوالحسن علی بن محمد بن احمد (یا ابوالحسن علی بن احمد؟) از ابواحمد عسکری، حسن بن عبدالله بن سعید (۲۹۳ - ۷ ذیحجة ۳۸۲ ق) روایت می‌کند (ص ۴۳، ۱۱۲ و غیره)؛ همچنین روایات ابوالدینیا معمر مغربی

(شخصیت اسطوره‌ای) را از طریق ابومحمد عبدالملک بن احمد بن یحیی جرجانی قاضی از راوی معروف ابوالدینیا یعنی مفید ابوبکر محمد بن احمد جرجانی نقل می‌کند (ص ۴۳، ۳۱۰ و غیره)؛ روایت او از ابن جعابی، محدث مشهور از طریق ابوالحسن (گاهی ابوالحسنین؟) حسن بن علی بن محمد بن جعفر وبری (در نسخه چاپ گاهی: جوهری) است (ص ۴۴، ۷۱ و غیره). وی از طریق ابن جعابی، روایات اهل بیت (ع) را نقل می‌کند که حائز اهمیت است؛ در طول کتاب روایات بسیاری را از طریق ابوعلی عبدالرحمان بن محمد (بن احمد: در نسخه خطی) بن فضالة نیشابوری و او از ابوبکر احمد بن محمد بن اسماعیل (در بخارا)، از مکحول بن الفضل نسفی، عالم معروف نقل می‌کند (ص ۴۷ چاپی، ص ۲ ب خطی)؛ گاهی نیز واسطه روایت او از ابواحمد عسکری یاد شده، ابوالقاسم عبدالواحد بن احمد بن عبدالله کرمانی است (ص ۵۶۰)؛ روایت او از ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی الطبری از طریق ابوجعفر محمد بن القاسم الحسنی النسابه بوده است (ص ۶۰۳). این طبری، شخصیتی است شناخته شده و شاگرد ناصر کبیر اطروش بوده است (ص ۶۱۸) و از ابن جریر طبری نیز نقل روایت می‌کند (ص ۶۱۷). ابوالحسن طبری در بغداد از یک تن حدیث شنیده بوده است (ص ۶۰۳)؛ گاهی نیز ابوجعفر محمد بن القاسم حسنی یاد شده، نه مستقیماً بلکه از طریق ابومحمد عبدالله بن محمد رویانی و ابوجعفر محمد بن عبدالحمید طبری از علی بن مهدی طبری نقل روایت می‌کند (ص ۶۲۸). گاهی موفق بالله از طریق ابوحاتم احمد بن حسن از زید بن عبدالله بن مسعود هاشمی از ابوالدینای اسطوره‌ای نقل روایت کرده که حائز اهمیت است (ص ۵۵، ۵۶)؛ روایت او از عبدالعزیز بن یحیی جلودی، مورخ امامی مذهب از طریق ابو احمد عسکری (مع الواسطه) است (ص ۱۰۲، ۳۳۷)؛ همچنین از طریق ابو احمد عسکری، از عبدالله بن احمد بن عامر طائی از پدرش از امام رضا (ع) روایت می‌کند (ص ۱۱۲، ۱۳۷)؛ از طریق پدرش ابو حرب از ابو محمد حسین بن حسن بن زید بن صالح حسنی زیدی روایت می‌کند و طریق خود را به ابوالجارود زیدی (از امام باقر علیه السلام) می‌رساند (ص ۵۵۹)؛ مؤلف ما از ابوطالب هارونی و برادرش ابوالحسنین هارونی نیز روایت می‌کند (ص ۲۷۴ چاپی، ۳۶ ب، ۸۴ ب خطی).

الموفق بالله در این کتاب، فصول متعددی را به بحث در باب مفاهیم و صفات حمیده اخلاقی و مقامات عرفانی اختصاص داده است: زهد و فضل زاهدین و صفات آنان؛ قناعت؛ فضل فقر بر غنی؛ ذم مال و دنیا؛ توکل؛ رجا؛ خوف؛ توبه؛ عزلت؛ ذکر؛ و موارد دیگر. وی در این کتاب از فضیلت علم سخن گفته و به مثابه صوفیه و حتی بنا بر سنت دیرینه زیدیه از «علماء سوء» و مثالب ایشان یاد کرده و بحثی نیز در باب کراهت فتوا و قضا دارد. بابتی به مواعظ اختصاص یافته است و بابتی نیز به امر به معروف و نهی از منکر و بابتی به جهاد اختصاص داده شده است. همه جا مواعظ و حکم مشایخ (عموماً بی آنکه نام آنان را بیاورد) و از جمله حاتم اصم، ذوالنون، فضیل عیاض، ابوعمرخولانی، محمد بن سیرین، فضیل رقاشی، ابو سلیمان دارانی و... را نقل می‌کند. بابتی نیز در باب مرگ دارد و البته جا به جا به نقل احادیث نبوی و بویژه کلمات و وصایای حضرت امیر(ع) پرداخته است. در یک باب موفق بالله، بحث ریا بواسطه پوشیدن لباس صوفیه را مورد توجه قرار داده است. اشعار بسیاری نیز در این کتاب نقل شده است که خود نیازمند تحقیق مستقل است.

مؤلف ما این کتاب را به درخواست شخصی نوشته (ص ۳۹) و در اصل آن را در زمینه مواعظ نوشته است (ص ۳۹). مؤلف روایات بسیاری از اهل بیت (ع) نقل می‌کند و حتی امامان: موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا(ع) و سایر امامان امامیه (ص ۲۰۲، ۳۲۳، ۳۸۷، ۶۳۰ و غیره) و از امامان زیدی و از جمله قاسم رسی (ص ۲۵۷) حتی روایتی از حسن بن محبوب نقل می‌کند (ص ۵۳۶) و از طریق یحیی بن حسن الحجّة نسابة معروف از ابوهاشم جعفری نقل روایت کرده است (ص ۶۵۳). وی روایات یحیی بن حسن الحجّة نسابة در باب تواریخ اهل بیت(ع) را نقل می‌کند (ص ۶۵۰ - ۶۷۳). یک نکته دیگر نیز در این کتاب حائز اهمیت است و آن اینکه وی در یک جا از کتاب (ص ۶۷۶) به کتابی اشاره می‌کند که می‌خواسته بنویسد و آن در باب صحیفه‌ای بوده که در آن اسامی خلفای عباسی همگی درج شده بوده و در نزد ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه بوده است (ص ۶۷۶).

شخصیت زیدی ایرانی دیگر که در سده پنجم هجری قمری در باب تصوف قلم زده است، دانشمند نامدار حاکم

جشمی، ابوسعید محسن بن محمد بن کرّامه (د ۴۹۴ ق) است که بخشی از کتاب السفینه الجامعة لانواع العلوم خود را که موسوعه‌ای تاریخی، حدیثی، اخلاقی و اعتقادی است، به احوال زهاد و صوفیه اختصاص داده است (در جلد چهارم این موسوعه). این بخش نسبتاً مفصل است (از ص ۲۸۴ تا پایان جلد چهارم در ص ۵۱۴) و در آن نام عموم زهاد و صوفیان نامدار آمده و برای هر کس حداکثر تا دو صفحه اختصاص یافته است. در ذیل نام هر کس، بیشتر کلمات و حکمت‌های آنان نقل شده تا شرح احوال آنان ۱۶. برخی از کسانی که نام آنان در این بخش کتاب آمده بدین شمارند: غیلان دمشقی (ص ۴۶۵)؛ شقیق بلخی (ص ۴۴۱)؛ ذوالنون مصری (ص ۴۲۵)؛ سهل تستری (ص ۴۳۸)؛ بشر حافی (ص ۴۰۳)؛ سری سقطی (ص ۴۳۷)؛ محمد بن یوسف اصبهانی (ص ۴۸۷)؛ معروف کرخی (ص ۴۸۸) و یحیی بن معاذ (ص ۵۰۲). فصلی را نیز به اخبار زنان عابد و صوفی اختصاص داده است: «اخبار النساء العابدات» (ص ۵۱۱ به بعد).

جدا از این فصل، در اوایل جلد چهارم نیز بابتی گشوده با عنوان «باب من کلام الصوفیه» (ص ۴۳ به بعد)، و کلماتی از مشاهیر صوفیه نقل کرده است. پس از آن نیز بابتی را به کلام «عقلاء المجانین» اختصاص داده است (ص ۴۷ به بعد). کتاب حاکم و فصول یاد شده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، چرا که کتاب در نیمه دوم قرن پنجم هجری قمری و در خراسان (بیهق) نوشته شده و طبعاً نماینده مکتب خراسان است. حاکم جشمی علاوه بر آنکه یک عالم و نویسنده زیدی است، در کلام معتزلی جایگاه بسیار برجسته‌ای دارد و از آن مهمتر این که محضر مشایخ بزرگ نیشابور را در حدیث و فقه و... درک کرده بوده است. عبدالغافر فارسی در السیاق می‌نویسد که ابوسعید جشمی در نیشابور از ابو عبدالرحمان سلمی، ابوالفضل میکالی، قاضی القضاة ابو محمد ناصحی، ابوالحسین حفید قاضی الحرمین و ابوعلی و خشی (روایت از او در السفینه، جلد چهارم، ص ۳۲) حدیث شنید و حتی مجلس املاء حدیث نیز در نیشابور داشته است^{۱۷}. ابن فندق در تاریخ بیهق نیز درباره حاکم جشمی می‌نویسد: «مولد و منشاء او قصبه جشم بوده است و او را در اصول و در فقه تصانیف بسیار است، چون عیون المسائل و شرح العیون و امثال این چون تحکیم العقول و غیر آن. و تفسیری لطیف

تصنیف ساخته است بیست مجلد، و در شروط تصنیفی لطیف دارد. تفقه در مجلس قاضی ابومحمد الناصحی کرده است و با میر ابوالفضل المیکالی اختلاف داشته است و احادیث از امام ابوعبدالرحمان السلمی و امام ابوالحسین عبدالغافرین محمد الفارسی روایت کند.^{۱۸} بنابراین در بخش اخبار زهاد و صوفیان این کتاب بی تردید از سلمی و دیگر مشایخ تصوف نیشابور بهره برده است؛ کما اینکه چند جا نیز از «الشیخ الامام ابومحمد» (ص ۴۲، ۴۰۸، ۴۴۷) روایت کرده که همان

الاعتبار وسلوة العارفين

تألیف

الرفوق بالله حسین بن اسماعیل جرجانی

تصحیح

عبدالسلام عباس الوجیه

اصالت دادن به موضوع تهذیب نفس به سه قسمت اصلی تقسیم کرده است: ۱. تهذیب نفس به واسطه ترک مناهی، ۲. تهذیب نفس بواسطه طاعت اوامر الهی در خصوص معاشرت با خلق خدا؛ ۳. تهذیب نفس بواسطه خضوع نسبت به خداوند و اوامرش.^{۲۲} ضمن همین اقسام، مؤلف به موضوعات مختلف پرداخته و حتی مباحث عقیدتی و فقهی را گنجانده است. وی در بحث تهذیب نفس در ترک معاصی به آفات هر یک از اعضای انسان و از جمله به آفات قلب پرداخته است. آداب گوناگون را در ضمن بحث تهذیب نفس بواسطه

حسن خلق با مخلوق به بحث و بررسی گذارده است. در قسم سوم کتاب و ضمن بحث از تهذیب نفس در ارتباط انسان با خدا و طاعت از او، به بحث تکلیف پرداخته و دو تکلیف عقیدتی و فقهی را در ضمن این موضوع شکافته و از این رواز منظر اخلاقی به فقه و کلام پرداخته است. در این کتاب به شکل گذرا می توان تقریباً تمامی موضوعات اخلاقی / صوفیانه را همراه با آیات و احادیث و تفسیر آنها مطالعه کرد. در اینجا بدون اینکه بخواهیم در باب کتابهای دیگری توضیح زیادی عرضه کنیم، فهرست وار برخی از مهمترین کتب صوفیانه زیدیه را معرفی می کنیم:

۱. التصفیه عن الموانع المرذیة از محمد بن حسن دیلمی (د ۷۱۱ ق)، عالم ایرانی ساکن یمن. در این کتاب که به الصراط المستقیم و الدین القویم هم نامبردار است، روش متصوفه را پی گرفته است.^{۲۳} این کتاب را من در یمن مطالعه کردم.

۲. التصفیه عن درن الاوزار و الذنوب از مؤید بالله یحیی بن حمزه (د ۷۴۹ ق)؛ این کتاب بارها به چاپ رسیده است.

۳. جلاء قلوب العارفين فی حکایات الأولیاء و الصالحین و نیز موازرة الاخوان و تطهیر الجوارح من الادران، هر دو از ابوالقاسم بن محمد بن حسین بن محمد بن الشقیف (د ۷۶۰ ق)^{۲۴}

۴. بدایة المهتدی و هداية المبتدی از محمد بن یحیی بن

ابومحمد ناصحی پیشگفته است: قاصی القضاة ابومحمد عبدالله بن الحسین ناصحی (د ۴۴۷ ق)^{۱۹}.

در یمن، در قرن هفتم قمری باید از کتاب الارشاد الی نجات العباد تألیف عالم نامدار زیدی یمن، عبدالله بن زید العنسی (د ۶۶۷ ق) نام برد که خود از شاگردان بدرالدین محمد بن احمد بن یحیی بن یحیی بود و امیرحسین بن محمد صاحب کتاب الشفاء از تلامذه او بود. جدا از کتاب الارشاد، وی صاحب کتابهای متعددی همچون المحجة البيضاء (در علم کلام) و چندین ردیه کوچک و بزرگ بر مطرفیه^{۲۰} (یکی از فرق کلامی زیدی در قرون پنجم تا هفتم ه ق) بوده و بیشتر آثار او هم اینک در کتابخانه های یمن و کتابخانه برلین موجود است. الارشاد به کوشش عبدالسلام عباس الوجیه و محمد قاسم الهاشمی در صعده (یمن) به سال ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م به چاپ رسیده است. مؤلف این کتاب را به تاریخ ربیع الاخر سال ۶۳۲ ق به پایان برده است (ص ۵۷۴). مؤلف کوشیده در این کتاب به پیروی از غزالی که گاه به آن ارجاع می دهد^{۲۱}، علوم و معارف دینی را در یک ساختار اخلاقی / صوفیانه عرضه کند. وی در مقدمه می نویسد که نجات در دو چیز حاصل می شود: یکی اطاعت و انقیاد نسبت به اوامر الهی و دیگری نسبت به نواهی الهی. سپس وی می نویسد که می باید معاشرت با خالق از یک سو و معاشرت با مخلوق از سوی دیگر برصلاح باشد و از این رو کتاب را با

بهران (د ۹۵۷ ق)، این کتاب، مختصر کتاب بدایة الهدایة غزالی است.^{۲۵}

۵. کتاب فی التصوف از حسن بن محمد النحوی (د ۷۹۰ ق)^{۲۶}.

۶. رساله فی التصوف از مؤید بالله محمد بن القاسم (د ۱۰۹۲ ق)^{۲۷}.

۷. کتب عالم زیدی با گرایشهای سلفی، یحیی بن الحسین بن القاسم (د ۱۱۰۰ ق): کشف علوم الاخره فی التصوف، مختصر فی ذکر الفاظ مشکلات من اقوال ابن عربی و من نحوه، التکت المفیده علی الرساله القشیریة^{۲۸}.

۸. کنز الرشاد و زاد المعاد از الهادی عزالدین بن الحسن، به کوشش عبدالواسع واسعی، صنعاء، مکتبه الیمن الکبری.

در اینجا این دو کتاب را نیز که زیدیه بررد صوفیه (و احتمالاً از دیدگاه مؤلفان، صوفیه مدعی تصوف) نوشته‌اند، بر می‌شماریم:

۱. الکشف و البیان فی الرد علی المبتدعة من متصوفه الزمان: از محمد بن یحیی بن بهران (د ۹۵۷ ق)^{۲۹}.

۲. الرساله القاسمة لظهور المتصوفه الاثمة: از منصور بالله قاسم بن محمد بن علی (د ۱۰۲۹ ق)^{۳۰}.

سه نکته را در پایان این مقاله متذکر می‌شوم:

۱. کتاب مصباح الشریعة منسوب به حضرت امام صادق (ع) که از کتب مورد عنایت صوفیه هست، گویا مورد توجه زیدیه نیز بوده است. چرا که علاوه بر نسخه سال ۶۵۱ کتابخانه آمبروزیانا که با احتمال قوی از یمن به آنجا منتقل شده^{۳۱}، یک نسخه کهنه (کتابت سال ۶۹۲ به خط محمد بن عبید بن محمد بن عیسی کردی مهرانی) نیز در جامع کبیر صنعاء موجود است که من آن را از نزدیک دیده‌ام و گویا این دو نسخه کهنه‌ترین نسخ مصباح الشریعة است.^{۳۲}

۲. زیدیه حتی در دهه‌های اخیر و تاکنون در مراحل تحصیل علوم دینی، در کنار فقه و اصول و حدیث و تفسیر، به کتب «علوم باطن» (چنانکه خود این کتب را بدان می‌خوانند) توجه می‌کنند و این گونه کتب را در ضمن کتب درسی بر اساتید فن می‌خوانند، کتابهایی مانند الارشاد عنسی، تصفیة یحیی بن حمزه، تصفیة دیلمی و حتی احیاء علوم الدین غزالی^{۳۳}.

۳. مطرفیه، یکی از فرق کلامی زیدیه در قرنهای ۵ تا ۷ ق.

یک جنبش با گرایشات زاهدانه بودند و خاصه با اندیشه بنیادی «هجرت» و بر اساس آن، در نواحی مختلف یمن دارالهجره‌های بسیاری برای خود بنا کردند و در آنجاها برای عبادت، تصفیة، ریاضت و تعلیم معتقداتشان جمع می‌شدند. ما در این مقاله کوتاه مناسب دیدیم با همین چند سطر نقش مطرفیه در ادبیات زهد گرایانه را مورد اشاره قرار دهیم.^{۳۴}

پی‌نوشتها

۱. ابوطالب هارونی: الافادة فی تاریخ ائمة الزیدیه، به کوشش محمد یحیی سالم عزان، صنعاء، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م، ص ۱۱۷، ۱۲۶.

۲. ص ۱۲۹، ۱۳۰ و نیز ص ۱۶۹، ۱۷۳.

۳. نک: حاکم چشمی، [تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین، به کوشش محمد رضا انصاری قمی، تهران، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۴۰.

۴. نک: الافاده، ص ۱۱۷.

۵. نک: «سیاسة النفس»، ضمن کتاب مجموع کتب الامام القاسم بن ابراهیم، نسخه عکسی، ص ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۲۹ و.....؛ برای نسخه‌های سیاسة النفس، نک:

GAS, I / 562-563

۶. نک: سحمد بن منصور مرادی، کتاب الذکر، تحقیق محمد یحیی سالم عزان، صنعاء، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م، بویژه ص ۱۱۹ به بعد.

۷. نک: الهادی الی الحق، «کتاب الخشیة»، ضمن المجموعة الفاخرة، به کوشش علی احمد محمد الرازحی، صنعاء، ۱۴۲۰ ق / ۲۰۰۰ م، ص ۵۹۲ - ۵۹۴. شاید این رساله بخشی از کتاب سیاسة النفس او بوده است، نک: ص ۵۹۵؛ مقایسه شود با ص ۵۹۳.

۸. نک: «المنزوع من سیاسة النفس»، ضمن همان المجموعة الفاخرة، ص ۵۹۵ - ۶۰۰.

۹. نک: «جواب مسائل ابی القاسم الرازی»، ضمن المجموعة الفاخرة، ص ۶۴۲ - ۶۴۳.

۱۰. در باب این کتاب، نک: مقاله من با عنوان «وصیة جنید بغدادی و یادداشتی کوتاه درباره سیاسة المریدین» مجله معارف، دوره هفدهم، شماره ۲، ص ۱۴۱ - ۱۴۴.

۱۱. نک: ضیاءالدین یوسف بن یحیی صنعانی، نسمة السحر، به کوشش احمد مهدوی دامغانی، تهران، ۱۳۷۹ ش، ۲۱۲/۱؛ همین‌جا باید به تأکید مؤلف زیدی معزلی دانشمند، یعنی ابوالقاسم اسماعیل بستی (د ۴۲۰ ق) در کتاب المراتب اشاره کنم که در ضمن فضائل خاندان امیرالمؤمنین علی (ع)، به زهد امامان زیدی اشاره کرده است. در مورد الهادی الی الحق می‌نویسد: «و هو المشهور فی الزهد و العیادة»؛ درباره مؤید بالله نیز اشاره به زهد و عبادت اومی کند، نک: بستی، کتاب المراتب، به کوشش محمد رضا انصاری قمی، قم، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۶۵ - ۱۶۶؛ درباره زهد ابوالحسین هارونی، نیز نک: عبدالله بن حمزه منصور بالله، کتاب الشافی، صنعاء، مکتبه الیمن الکبری، ۲۳/۱.

می‌گیرم.

۱۷. نک: عبدالغافر فارسی، السياق، منتخب صریغینی، به کوشش محمد کاظم محمودی، قم، ۱۴۰۳ ق، ص ۶۹۲-۶۹۳.

۱۸. نک: تاریخ بیبوق، به کوشش احمد بهمنیار، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۱۹. نک: فارسی، ص ۴۳۵، برای ناصحی، نیز نک: مادلونگ، مکتبها و فرقه‌های اسلامی، ترجمه جواد قاسمی، مشهد، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۶، حاشیه.

۲۰. درباره مظهریه مقاله مفصلی نوشته‌ام که انشاء الله به زودی به چاپ خواهد رسید.

۲۱. نک: الارشاد، ص ۲۸۹ و صفحات دیگر.

۲۲. نک: همان، ص ۱۹-۲۲.

۲۳. برای نسخه‌ها و توضیح در باب کتاب، نک: عبدالله حبشی، مصادر الفكر العربي الاسلامی فی الیمن، صنعاء، مرکز الدراسات الیمنیة، ص ۲۷۴؛ فهرست جامع کبیر، ۱۳۱۷/۳؛ حبشی، فهرست مخطوطات لبعض المکتبات الخاصة فی الیمن، ص ۴۰۲.

۲۴. برای مؤلف و نسخه‌های خطی دو کتاب، نک: فاسی، العقد الثمین، ۸۹/۸؛ حبشی، مصادر، ص ۲۷۵؛ همو، فهرس، ص ۱۰۹، ۴۰۴ (نیز فهرست اعلام پایان کتاب حبشی).

۲۵. برای نسخه‌های خطی، نک: حبشی، مصادر، ص ۲۸۵.

۲۶. نک: حبشی؛ همان، ص ۲۷۷.

۲۷. نک: فهرست جامع کبیر، ۱۳۳۹/۳-۱۳۴۰.

۲۸. برای نسخه‌ها، نک: حبشی، مصادر، ص ۲۹۲؛ فهرست جامع کبیر، ۱۳۸۶/۳-۱۳۸۷، ۱۴۰۰؛ در اینجا لازم است به صوفی زیدی ابراهیم کینعی (د ۷۹۳ ق) اشاره کنم، و شاگردش یحیی بن المهدی بن القاسم بن المطهر و کتب وی در تصوف و همچنین سیره کینعی با نام صلة الاخوان؛ نک: حبشی، مصادر، ص ۲۷۸؛ المسلسلات آیه الله مرعشی، ۶۱۳/۱ (در ضمن کتب علوم باطن زیدیه، به نقل از اجازات زیدیه). همچنین کتاب فی الزهد ابوالحسن علی بن ابی حریصه از پیروان امام الهادی الی الحق؛ نک: حبشی، مصادر، ص ۲۷۲.

۲۹. برای نسخه خطی، نک: فهرست جامع کبیر، ۱۳۷۱/۳.

۳۰. برای نسخه خطی، نک: همان، ۱۳۴۲/۳.

۳۱. نک: GAS, I/530.

۳۲. نسخه شماره ۱۵ مجامیع جامع کبیر صنعاء یمن (کتاب دوم از مجموعه).

۳۳. نک: المسلسلات مرعشی، ۶۱۳/۱؛ نیز نک: شوکانی، اتحاف الاکابر، به کوشش خلیل بن عثمان الجبور السببعی، بیروت، ۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م، ص ۶۰-۶۴، ۷۱، ۱۳۳-۱۳۴، ۱۷۶، ۱۸۱-۱۸۲، ۱۸۸، ۱۹۷ که از رواج و روایت کتب صوفیانه زیدی و سنی در یمن حکایت می‌کند.

۳۴. نک: مادلونگ، همان، ص ۲۷۴، ۲۷۹.

۱۲. برای شرح احوال او از جمله نک: حمید بن احمد محلی، «الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیة»، ضمن اخبار ائمة الزیدیة، به کوشش مادلونگ، بیروت، ۱۹۸۷ م، ص ۲۷۰؛ ابواسماعیل ابن طباطبای، منتقلة الطالیبة، نجف، ۱۳۸۸ ق، ص ۱۵۶، ابوطالب مروزی، الفخری، قم، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۵۰؛ ابوالقاسم بستی، المراتب ص ۱۶۶-۱۶۷؛ منصور بالله عبدالله بن حمزه الشافعی، ۳۳۰/۱، ۳۳۷؛ تراجم الرجال جنداری، ص ۱۲ (در مقدمه شرح الازهار ابن مرتضی، جلد اول). وی پدر المرشد بالله است و خود از اصحاب موید بالله هارونی بوده است. کتاب الاحاطة او مورد ستایش حمید بن احمد محلی قرار گرفته است، نک: محاسن الازهار، به کوشش محمد باقر محمودی، قم، ۱۴۲۲ ق، ص ۵۰۷.

دو نسخه عکسی از جلد دوم کتاب الاحاطة او در کتابخانه سید محمد بن عبدالعظیم الهادی در ضحیان صعده (یمن) موجود است، کما اینکه رساله‌ای با عنوان مسأله فی ان اجماع اهل البيت حجة در ۲۵ صفحه در کتابخانه یحیی راویه موجود است. برای رساله اخیر، نک: حمید بن احمد محلی، محاسن الازهار، ص ۵۰۷.

۱۳. به کوشش عبدالسلام عباس الوجیه، عمّان، مؤسسة الامام زید، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۱ م؛ برای نسخه‌های خطی آن، نک: مقدمه عبدالسلام الوجیه و GAS, I/552-553؛ نسخه کتابت ۷۸۱ ق آن در کتابخانه غربیة صنعاء (۳۴ تصوف) موجود است؛ نیز نسخه‌ای دیگر در همانجا تحت شماره (تصوف ۸)، نک: فهرست غربیه، ص ۲۵۶؛ کتاب الاعتبار و مؤلف آن مورد ستایش حمید محلی قرار گرفته‌اند، نک: محاسن الازهار، ص ۵۰۷.

۱۴. نک: موفق بالله شجری، الاعتبار، سند آغازین کتاب؛ درباره آذونی، نک: عبدالله بن الحسن قاسمی ضحیانی یحیی، الجواهر المضية فی معرفة رجال الحديث من الزیدیة، نسخه عکسی بدرالدین حوثی، ص ۸۵ که می‌نویسد: «محمد بن الحسین دنک، بفتح الدال و تثقیل النون ثم کاف الازدونی یروی کتاب الاعتبار و سلوة العارفين عن الحسن بن علی بن اسحاق الفرزادی و عنه القاضي جعفر بن احمد قراءة و کان شیخاً ادیباً».

نیز می‌دانیم که الامالی الخمیسیة فرزند موفق بالله یعنی مرشد بالله یحیی بن الحسین را نیز ابوالعباس احمد بن الحسن بن ابی القاسم بابا الازدونی در ۴۷۲ ق از مؤلف شنیده بوده است و احمد بن ابی الحسن کنی از عالمان زیدیة ری (ایران) نیز این کتاب را در ۵۳۶ ق از آذونی دریافت داشته است، نک: مرشد بالله، الامالی، بیروت، عالم الکتب، ۹/۱. درباره ارتباط این دو آذونی چیزی عجالتاً نمی‌دانم برای شرح احوال آذونی دوم، نک: عبدالله بن الحسن قاسمی، همان، ص ۷. گفته‌اند که او احتمالاً در دهه ۵۴۰ ق در گذشته است.

۱۵. نک: مجد الدین مؤیدی، لوامع الانوار، صنعاء، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳ م، ۴۱۲/۱-۴۱۳.

۱۶. چندین نسخه خطی السفینة در یمن موجود است و از جمله در کتابخانه غربیة صنعاء (شماره‌های ۵ تا ۷ معارف عامه) و نیز نسخه‌های عکسی آن در کتابخانه‌های محمد بن عبدالعظیم الهادی و سید عبدالرحمان شایم در یمن موجود است و من در صنعاء نسخه‌های کتاب را از نزدیک دیدم. در اینجا از نسخه کتابخانه محمد الذاری صنعاء، شماره ۶۸ (کتابت قرن ۱۱ ق) بهره